

ایران و عثمانی؛ از منازعه تا همکاری

در طول دوران صفویه، ایران و عثمانی دو کشور مهم منطقه‌ای بودند که روابط دیرینه‌ای با هم داشتند. این دو کشور بارها بر سر منافع خود باهم جنگیدند و مرزهای میان این دو هم همواره دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شد.



در طول دوران صفویه، ایران و عثمانی دو کشور مهم منطقه‌ای بودند که روابط دیرینه‌ای با هم داشتند. این دو کشور بارها بر سر منافع خود باهم جنگیدند و مرزهای میان این دو هم همواره دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شد. امپراتوری عثمانی قدرتی بود که از ۱۲۹۹ تا ۱۹۲۲ میلادی، یعنی ۶۰۰ سال بر منطقه حکومت می‌کرد. این حکومت در مرزهای خود با حاکمیت‌های مختلف اعم از ایرانی و اروپایی و عرب درگیری داشت و همواره سعی می‌کرد با گسترش نفوذ خود به عنوان یک قدرت مطلق در عرصه سیاسی جلوه‌گری کند.

خلافت عثمانی از زمانی که روی کار آمد سعی کرد به عنوان پرچمدار رهبری جهان اسلام مطرح شود، اما ظهور امپراتوری صفوی در ایران و رسمیت یافتن مذهب شیعی در این سرزمین، عثمانی را در مرزهای شرقی با مشکل بزرگی مواجه کرد. شکل‌گیری حکومتی مقتدر با گرایش‌های شیعی، خلافت عثمانی را که آرزوی رهبری جهان اسلام را داشت دچار چالش کرد. شرایط سیاسی نشان می‌داد که این دو در نهایت بر سر تعارض منافع مذهبی و سیاسی با یکدیگر درگیر خواهند شد. سراسر دوره صفوی به درگیری میان ایران و عثمانی گذشت و گاهی غلبه با عثمانی بود و زمانی ایران به عنوان پیروز میدان شناخته می‌شد.

یک رشته اصلاحات نظامی و اجتماعی با نام «خط شریف گلخانه» در ۱۸۳۹ میلادی توسط مصطفی رشید پاشا، سفیر عثمانی در فرانسه و انگلستان و پس از شکست‌های پی‌در پی عثمانی در اروپا و از دست دادن متصرفاتش مطرح شد و با امضای سلطان عبدالمجید رسمیت یافت و اجرا شد. هدف پایه‌ای این اصلاحات که یکی از ارکان مهم دوره تنظیمات به شمار می‌رفت، ایجاد اندیشه وحدت و اشتراک منافع کل ملل و اقوام تابعه امپراتوری بود که به «عثمانی‌گرایی» معروف شد. عثمانی‌گرایی که با اندیشه‌های نامق کمال، شاعر و ادیب عثمانی و تشکیل گروه‌های موسوم به عثمانی‌های جوان پرورده می‌شد، در دهه ۱۸۶۰ میلادی بر پایه وحدت احساس‌ها و گرایش‌های متنوعی همچون ملیت، آزادی، رفاه، برادری، مالکیت، حاکمیت، احترام به نیاکان و عشق به خانواده قرار داشت و ایجاد امپراتوری عثمانی هدف موردنظر آن بود.

برنامه «ایران ستیزی» عثمانی‌ها از سوی افرادی مانند روشنی بیگ در قالب سخنرانی‌ها و با هدف در برابر هم قرار دادن ایران و ترک پیگیری شد. روابط ایران و عثمانی از رقابت‌های استعماری قدرت‌های بزرگ که در آن دوران به اوج خود رسیده بود نیز تاثیر می‌پذیرفت، روابطی که همواره پندها و درس‌ها و عبرت‌های زیادی را برای تاریخ برجای گذاشته است. حیطه نفوذ ایران و عثمانی بر روابط یکدیگر و منطقه و جهان متفاوت بوده است. بنابراین بررسی این وجه از روابط دو کشور بویژه از نگاه مذهبی و دینی با توجه به ساختارهای قدرت سیاسی در هر کشور، برای جهان اسلام نیز درس‌های آموزنده‌ای دارد. این روابط در دوران شاه اسماعیل تا پایان دوره شاه عباس، بیش از همه خود را نشان داده است.

ایران و عثمانی به علت همسایگی جغرافیایی و داشتن پیوندهای دینی تاریخی و مشابهت‌های فرهنگی همواره ارتباطات نزدیک و مداوم در جنبه‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی با یکدیگر داشته و همیشه از تحولات یکدیگر تاثیر پذیرفته‌اند. دگرگونی‌های رخ داده در ایران سال ۱۲۸۵ شمسی به پیروزی انقلاب مشروطیت در ایران و برجیده شدن استبداد حکومتی قاجار انجامید. این انقلاب و دستاوردهای آن بر سیاست خارجی ایران در مقابل همسایگان نیز تاثیر گذاشت. همزمان انقلاب‌هایی از این دست در عثمانی (۱۹۲۳ - ۱۸۷۶ م) نیز رخ داد و حکومت قانون و مجلس در این کشورها استقرار پیدا کرد. هر دو کشور در جنگ جهانی اول درگیر شدند. این جنگ به فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل کشور نوین «ترکیه» منجر شد. تاثیر متقابل مشروطیت در ایران و عثمانی موجب انعقاد پیمان تهران (۱۳۲۹ هـ. ق، ۱۹۱۱ م) و استانبول (۱۳۳۱ هـ. ق، ۱۹۱۳ م) شد. دگرگونی‌های مشروطیت موجب حضور برخی نخبگان و تجار ایرانی در استانبول نیز شد.

دگرگونی‌های سیاسی در ایران و روی کار آمدن رضاشاه و مصطفی کمال پاشا معروف به آتاتورک، (پدر ترک‌ها) موجب شد به فضای تنش و دشمنی ایجاد شده میان ایران و ترکیه پایان داده شود و دورانی از مسالمت برای دو کشور در روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایجاد شود و دعوت آتاتورک از رضاشاه برای سفر به آن کشور این روابط را تحکیم بخشید. رضاشاه سال ۱۳۱۶ سفری به ترکیه کرد که تنها سفر خارجی او به شمار می‌آید، پس از دیدار با آتاتورک روابط ایران و ترکیه نوین، وارد دورانی تازه شد و گسترش پیدا کرد. روابطی که در دوران محمدرضا شاه پهلوی هم ادامه یافت و مسائل تنش‌زا به آن وارد نشد و لطمه نزد. عضویت ایران، ترکیه، پاکستان و افغانستان در سازمان پیمان عمران منطقه‌ای و پیمان سنتو به روابط گسترده میان دو کشور مهر تأیید می‌گذاشت.

شهاب سلیمی / جام جم